

مرحله ی بعدی جنگ در خاورمیانه

از: مایکل چوسودو و سکی *

Michel Chossudovsky

برگردان: مهدی شاهین

جنگ اسرائیل در لبنان بخش اصلی ی نقشه ی نظامی جنگی است که حمایت مالی آنرا ایالات متحده به عهده دارد.

جنگ در لبنان که منجر به ظلم و ستم بی پایانی چون نابودی زیر بنای اقتصادی کشور و غیرنظامیان گردیده است مرحله ای از سلسله زنجیر عملیات نقشه ی نبردی است که به دقت برنامه ریزی شده است.

لبنان راهرو باریک استراتژی بین اسرائیل و شمال باختری سوریه است. هدف اصلی این جنگ نظامی کردن لبنان بود که بتواند ارتش خارجی را در لبنان مستقر سازند، چون شرط لازم الاجرای برنامه ی جنگ در سطح بزرگتر در مرحله بعدی است.

این نیروی نظامی مستقر در خاک لبنان به طور انحصاری از کشورهای نا تو تشکیل نیافته است، هرچند رسماً تحت سرپرستی شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد اما به هیچ وجه بی طرف نیست و به طور مستقیم پاسخگوی منافع ایالات متحده و اسرائیل است.

بعلاوه، به دنبال ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق لبنان در فوریه ی 2005 که منجر به تخلیه ی به موقع ارتش سوریه از لبنان و گشایش "فضای جدید" گردید. تخلیه ارتش سوریه از لبنان به اسرائیل کمک کرد. تخلیه به موقع ارتش سوریه از لبنان دارای اهمیت استراتژیک و مسلماً، عامل اصلی در زمان بندی و برنامه ریزی حمله ی ژوئیه 2006 نیروهای دفاعی اسرائیل به لبنان بود.

مباران وحشتناک اسرائیل و "آتش بس"، منجر به صدور قطعنامه ی شماره 1701 شورای امنیت سازمان ملل گردید. پیش نویس این قطعنامه توسط فرانسه و ایالات متحده با مشاوره ی دولت اسرائیل تهیه شده بود. این قطعنامه راه را برای نظامی سازی لبنان با سرپرستی ساختگی سازمان ملل هموار کرد.

مرحله ی بعدی جنگ خاورمیانه

ایالات متحده با هماهنگی نزدیک با بریتانیا (و مشاوره با شرکای ناتو) در حال برنامه ریزی تدارک حمله به ایران و سوریه است که اظهاریه های رسمی و مدارک نظامی آنرا تائید می کند. جان بولتن John Bolton. سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد از هم اکنون پیش نویس قطعنامه ی شورای امنیت را مبنی بر تحریم های اقتصادی تهران به خاطر اتهام برنامه ی تسلیحات اتمی (که وجود خارجی ندارد) آغاز کرده است. تصویب یا عدم تصویب قطعنامه ی شورای امنیت موضوع مورد بحث ما نیست. ایالات متحده امکان دارد بدون توجه به وتوی روسیه، چین یا هر دوی آنها برنامه تحریم را ادامه دهد. البته، ایالات متحده رای موافق فرانسه و انگلیس که از اعضای دائمی شورای امنیت هستند در دست دارد.

منابع رسمی ایالات متحده تائید کرده اند که حملات وحشتناک هوایی، متعاقب تحریم های رژیم ایران با و یا بدون تصویب سازمان ملل به وقوع خواهد پیوست که در آن نیروی نظامی در سطح وسیع استقرار می یابد و شبیه موج وسیع مباران مهیب و فلج کننده ی مارس 2003 عراق خواهد بود.

حملات هوایی آمریکا به ایران از حمله ی اسرائیل به اوسیراق، مرکز فناوریهای اتمی عراق در سال 1981

به مراتب شدید تر و بیشتر شبیه آغازین روزهای سال 2003 حملات هوایی آمریکا به عراق خواهد بود. در این عملیات به طور کامل از نیروی کامل بمب افکن های B-2 استفاده خواهد شد که از دیاگو گارسیا Diego Garcia یا مستقیماً از ایالات متحده که محتمل است با جنگنده های F-117 از "اودید" در قطر یا نقاط دیگر پرواز کنند و تعداد 24 ایستگاه مشکوک به فناوری های اتمی را مورد هدف قرار دهند.

برنامه ریزان نظامی می توانند فهرست اهداف خود را کوتاه تر کرده به طوری که دولت آمریکا با حملات محدود خود فقط مهم ترین تجهیزات اصلی را نابود کند..... یا این که ایالات متحده می تواند به مجموعه ی کامل، علیه اهداف تسلیحات گسترده جمع و نیروهای کلاسیک و غیر کلاسیک نظامی ایران که ممکن است علیه نیروهای ایالات متحده مستقر در عراق به کار برده شود، مبادرت ورزند.

(به <http://www.globalsecurity.org/military/ops/iran-strikes.htm> در [globalsecurity.org](http://www.globalsecurity.org) نگاه کنید).

-

طرح بمباران هوایی و به "حالت آماده باش فوق العاده" از ژوئن 2005 به طور کامل قابل بهره برداری است. اجزاء عملیات گوناگون کاملاً تحت فرماندهی ایالات متحده است، که وزارت دفاع آمریکا با مراکز فرماندهی استراتژیک (USSTRACOM) در پایگاه نیروی هوایی واقع در "اوفوت-نبراسکا" Offutt Nebraska هماهنگ می سازد.

فرماندهای استراتژیک ایالات متحده در نوامبر 2004 به مانور بزرگ "ضربه ی جهانی" به نام "گلوبال لایتینگ" Global lightning با استفاده از تسلیحات کلاسیک و اتمی علیه دشمن فرضی (ایران) مبادرت ورزیدند. به دنبال تمرین "گلوبال لایتینگ" فرماندهی استراتژیک ایالات متحده "حالت آماده باش فوق العاده" اعلام کرد.

اجرای عملیات "ضربه جهانی" طرح کان پلن (CONPLAN) 8022 (CONCEPT PLAN) نام دارد. این برنامه، در طرح های واقعی نیروی دریایی و هوایی به مجموعه ی ضربتی زیر دریایی ها و بمب افکن ها نشان تبدیل می شود.

ساختار فرماندهی عملیات مرکزی است و در نهایت وزارت دفاع ایالات متحده درباره زمان و چگونگی اجرای عملیات نظامی علیه ایران و سوریه تصمیم خواهد گرفت. عملیات نظامی اسرائیل و سایر مؤتلفین، از جمله ترکیه با هم آهنگی نزدیک با وزارت دفاع ایالات متحده به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

جنگ زمینی

دولت بوش چندین بار بمباران تنبیهی جایگاه های فرآورده های اتمی ایران را اعلام کرده است ولی اوضاع واحوال اخیر نشان می دهد که جنگ زمینی تمام عیار نیز تحت بررسی است.

طرح "کان پلن 8022" فقط یک بخش از اجزاء برنامه ی جنگ خاورمیانه را تشکیل می دهد. طرح کان پلن 8022 جنگ زمینی را در بر نمی گیرد چون فرض اولیه به هنگام پیشنهاد حمله هوایی به ایران بر این بود که پای ارتش به زمین نرسد.

برنامه ریزان نظامی ایالات متحده و اسرائیل به خوبی مطلع هستند که "بمباران تنبیهی" هوایی تقریباً به طور اجتناب ناپذیری نیروهای مؤتلفه را به صحنه نبرد زمینی خواهد کشید و در صحنه نبرد با نیروهای سوری و ایرانی مواجه خواهند شد.

تهران تاکید کرده است در صورتی که مورد حمله قرار گیرد به حملات مشکوک بالیستیکی علیه تجهیزات ایالات متحده در عراق، افغانستان و خلیج فارس واکنش نشان خواهد و این عمل تهران فوراً منجر به اوج گیری جنگ تمام عیار خواهد شد.

سپاهیان ارتش ایران می توانند از مرز ایران و عراق عبور کرده و با نیروهای مؤتلفین در داخل عراق بر خورد نمایند و نیروهای اسرائیل یا نیروهای ویژه و یا هردو آن ها باهم وارد سوریه گردند.

بعلاوه نیروهای خارجی که در لبنان تحت سرپرستی سازمان ملل قرار دارند به فرمان ایالات متحده که رهبری نیروهای ائتلافی را به عهده دارند واکنش نشان خواهند داد. واشنگتن و تل آویو با پیمان های نظامی گوناگون (ناتو - اسرائیل، ترکیه - اسرائیل، "گوآم" GUAAM" و غیره) قبلاً به توافق رسیده اند.

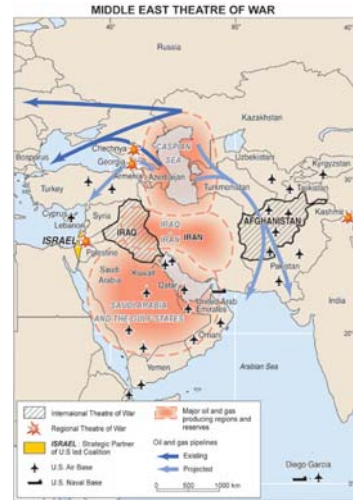
مانورهای جنگی

این آماده گی های نظامی که در زمان های بسیار نزدیکی انجام شده است در مانورهای نظامی مشاهده می گردد. ایران در اواخر اوت یک سری مانورهای جنگی در مناطق اصلی کشور نظیر منطقه مرزی ترکیه، عراق آذربایجان، پاکستان و افغانستان دست یازیده است. وزیر دفاع ایران، ژنرال مصطفی محمد نجار، افزایش استقرار ظرفیت نظامی مشتمل بر تسلیحات سیستم نظامی و نیروهای جنگی در مزارهای ایران را تأیید کرده است. ارتش ایران تمام حرکات و نقل و انتقال نیروهای جنگی و عوامل آن را در مرز ایران زیر نظر دارد (پارس نیوز 2 سپتامبر 2006).

مانورهای نظامی کشورهای روسیه، قرقیزستان، تاجیکستان تحت عنوان " سازمان پیمان امنیت دسته جمعی (CSTO) Collective Security Treaty Organization" که در ماه اوت اجرا گردید به ندرت در رسانه های غربی مورد تأیید قرار گرفت. این مانورها ی نظامی رسماً بخشی از طرح ضد تروریسم نامیده می شود ولی در حقیقت واکنشی است در برابر تهدید های نظامی ایالات متحده - اسرائیل، علیه منطقه و طرح حمله به ایران (به مقاله ی همین نویسنده در اوت 2006 نگاه کنید). هم زمان چین و قزاقستان نیز به مانورهای نظامی متقابل به نام Shanghai Cooperation Organization (CSTO) سازمان همکاری شانگهای دست زده اند.

دو کشور همسایه ی آذربایجان و گرجستان روابط نظامی نزدیک با واشنگتن دارند. هر دو کشور مزبور بخشی از یک پیمان نظامی با ایالات متحده و ناتو هستند به نام GUUAM

ترکیه هم پیمان نزدیک اسرائیل است. از سال 2005، اسرائیل با همکاری دولت ترکیه نیروهای ویژه ای را در مناطق کوهستانی ترکیه در مرز ایران و سوریه مستقر کرده است. پاکستان نیز هم پیمان نزدیک ایالات متحده و بریتانیا است. گرجستان مدت زمان زیادی است که موافقت نامه نظامی با اسرائیل دارد. درعین حال بزرگترین ناو هواپیما بر جنگنده های آمریکا به نام "یواس اس اینترپرایز" USS Enterprise به مقصد خلیج فارس در راه است.



افزایش نیروهای جنگی آمریکا

بیانیه های وزارت دفاع ایالات متحده تائید می کند که تعداد سربازان ایالات متحده در عراق به 140000 تن افزایش یافته است. (رویتر 2 سپتامبر 2006). این افزایش نیرو، با فراخوان اجباری نیروهای ذخیره و قوای مزدور هماهنگی دارد. (به Mahdi Darius Namzaroaya اوت 2006 نگاه کنید).

ایالات متحده افزایش نیروهای جنگی را بخشی از فرایند جایگزینی و تعویض عادی که لازمه ی جنگ علیه تروریست هاست توجیه میکند. سرباز گیری در کشورهای اصلی ائتلاف انگلیسی-آمریکایی مرکب از کشورهای استرالیا و کانادا به سرعت جریان دارد. "جان هوارد" John Howard نخست وزیر استرالیا و "استیون هارپر" Stephen Harper نخست وزیر کانادا تعهد خود را با ایالات متحده تائید کرده و متعهد شده اند که در جنگ ایالات متحده-اسرائیل، نیروهای مسلح خود را در کشورهایشان تقویت و توسعه خواهند داد.

در ضمن سپاهیان بریتانیا مستقر در عراق به مرز ایران در جنوب عراق نقل مکان یافته اند. سفیر انگلیس این نقل مکان و استقرار جدید را بخشی از برنامه جلوگیری از قاچاق و ورود اسلحه به عراق می نامد.

در حالی که ارتش بریتانیا علاقه یا آمادگی بر خورد با ایران را از خود بروز نمی دهند ولی درست در همان زمان سپاه بیشتری را بسیج کرده و در عراق مستقر می کند. واحد دیگری از گردان دوم پیاده نظام با ظرفیت سریع استقرار نظامی در جنوب عراق در مرز ایران مستقر شده است. بهانه ی فرستادن گردان دوم این است که در پشت گروه عملیات نظامی کار می کنند و وظیفه اش اسکورت حمل وسایل جنگی و تامین امنیت نیروهای بریتانیا و پایگاه هایش در بصره است. (به مقاله اوت 2006 Mehdi Darius Namzaroaya نگاه کنید).

نقش اسرائیل

به دنبال جنگ لبنان، نتایج طرح ها و بیانیه های رسمی ارتش اسرائیل به طور روز افزونی آشکار می شود. تل آویو برنامه ی حق تقدم در " جنگ تمام عیار " علیه ایران و سوریه را به منظور استقرار نیروی زمینی و هوایی خود در نظر گرفته است. گفته می شود این طرح در صدر برنامه ی جنگی قرار دارد.

" بنا بر منابع نظامی و سیاسی اسرائیل ، ارتش اسرائیل برای یک جنگ احتمالی با هر دو کشور ایران و اسرائیل آماده می گردد".

(.....)

یک منبع دفاعی اسرائیلی می گوید" در صدر طرح دفاعی ما ، مبارزه با ایران و سوریه به مراتب با لا تر از مبارزه با فلسطین قرار دارد. مدت زمان کوتاهی پیش از آغاز جنگ لبنان سرلشگر الیزر شکدی Elizer Shekdi فرمانده نیروی هوایی ارتش اسرائیل به مسئولیت "جبهه ایران" که شغل جدیدی در ارتش اسرائیل است گمارده شد. شغل او ، فرماندهی حملات آینده به ایران و سوریه خواهد بود.

(.....)

یک منبع داخلی گفت: در گذشته ما برای امکان ضربه هوایی به تاسیسات فناوری اتمی ایران آماده شده بودیم ، " ولی با افزایش اعتماد ایران به خود پس از جنگ لبنان ، باید برای جنگ تمام عیاری که سوریه در آن نقش مهمی ایفا خواهد کرد آماده شویم".

(.....)

در نتیجه ی تغییرات در تقدم دفاعی ، بودجه نیروهای اسرائیلی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه کاهش یافته است(سند ی تایمز 3 سپتامبر 2006).

اخبار و اطلاعات نادرست رسانه ها

رسانه های غرب بر طبل جنگ می کوبند ساندی تایمز طرح های جنگی اسرائیل رابه صورت عملیات قانونی دفاع از خود می نگرد، تا مانع از حمله اتمی تمام عیار تهران به اسرائیل گردد: "ایران و سوریه دارای موشک های بالستیکی هستند که می توانند به اغلب نقاط اسرائیل ، حتی تل آویو حمله کنند. اکنون اسرائیل بودجه ی اضطراری جهت ساختمان پناهگاه های مدرن اختصاص داده است".

با توجه به این حقیقت که ایران دارای ظرفیت و توانایی تسلیحات اتمی نیست و حتی IAEA آنرا تائید کرده است موضوع توانایی اتمی ایران مورد بحث ما نیست.

اخبار و اطلاعات نادرست رسانه ها، فضای ترس و وحشت را پدید آورده است. اعلان این خبر از سوی وزارت کشور انگلیس در دهم اوت مبنی بر خنثی کردن توطئه ی انفجار ده هواپیما به طور هم زمان این اثر را بخشید که این دنیای غرب است که در معرض حمله قرار دارد نه خاور میانه.

این عکس واقعیت هاست. اخبار و اطلاعات نادرست در سطح وسیعی منتشر می شود. رسانه های بریتانیا و ایالات متحده به طور فزاینده ای از "جنگ پیشگیرانه" برای دفاع از خود در برابر القاعده و کشورهای پشتیبان تروریسم از یک 11 سپتامبر دیگر گفتگو می کنند.

هدف اصلی ایجاد ترس و وحشت است که مردم را برای مرحله ی بعدی جنگ " علیه تروریسم" که جنگ علیه ایران و سوریه است آماده کنند.

این تبلیغات موجب تضعیف جنبش ضد جنگ شده است.

در حالی که روسیه و چین در سطح دیپلماسی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، با جنگی که ایالات متحده رهبری می کند مخالفت می ورزند ولی واشنگتن از حمایت فرانسه و آلمان اطمینان دارد. علی رغم موافقت نامه های همکاری نظامی روسیه و چین با ایران ، به احتمال قریب به یقین به نفع ایران در جنگ دخالت نخواهند کرد.

ناتو از جنگی که ایالات متحده آنرا رهبری می کند در سطح وسیعی حمایت خواهد کرد. ناتو در فوریه 2005 موافقتنامه نظامی با اسرائیل امضاء کرده است.

تسلیمات اتمی علیه ایران

ایالات متحده و اسرائیل از تسلیمات تاکتیکی اتمی علیه برنامه های اتمی ایران که وجود خارجی ندارند به طرز مضحکی استفاده خواهند کرد.

در دکتترین هسته ای جدید دولت بوش راهنمایی های ویژه های وجود دارد که اجازه می دهد به حملات هسته ای پیشگیرانه علیه " دشمنان بدخیم" ای که مجهز به تسلیمات کشتار جمعی یا در حال دستیابی به آن هستند مبادرت ورزند (به **2001 Doctrine for joint Nuclear Operations and Nuclear Posture Review** نگاه کنید).

طرح "کان پلن" **CONPLAN 8022** برنامه ی جامعی است که سناریوی استراتژیک تسلیمات اتمی را به طور جامع در بر می گیرد . در این برنامه ی به طور ویژه روی تهدیدهای تروریستی بالقوه و فزاینده ی ایران و کره شمالی متمرکز شده است و گفته نشده که از طرح فوق در سناریوهای محدود علیه اهداف روسیه و چین استفاده نخواهد شد. (هانز کریستینسن **Hans Christenssens** پژوهشگر اطلاعات اتمی که از روزنامه ی **Japanese Economic News Wires** نقل قول شده است).

ماموریت **JFCCSGS** اجرای طرح "کان پلن 8022" و به عبارت دیگر آغاز جنگ اتمی با ایران است. فرمانده کل جورج دبلیو بوش به وزیر دفاع دستور می دهد و او هم به نوبه خود فرمانده ی ارتش را در جریان امر قرار خواهد داد که برنامه ی "کان پلن 8022" رابه مورد اجرا گذارد.

استفاده از تسلیمات اتمی ایالات متحده به اتفاق اسرائیل علیه ایران که دارای زرادخانه ی هسته ای در سطح عالی است هم آهنگ خواهد شد.

استفاده از تسلیمات اتمی اسرائیل یا ایالات متحده را با توجه به این حقیقت که تسلیمات اتمی با طبقه بندی جدید که به تصویب سنای آمریکا رسیده است نمی توان نادیده انگاشت. این طبقه بندی جدید مبنی بر این که استفاده از بمب اتمی بخشی از تسلیمات کلاسیک است (چون استفاده آن در زیر زمین به وقوع می پیوندد بنابراین به غیر نظامیان ضرر نمی رساند). این امر نشان دهنده ی آن است که در حقیقت این ایالات متحده و اسرائیل هستند که بیشتر از ایران جهان را در معرض تهدید اتمی قرار می دهند.

حتی با استفاده از منطق فوق ، حمله با استفاده از تسلیمات کلاسیک در بمباران هوایی در نابودی فناوریهای اتمی زیر زمینی منجر به پخش مواد رادیو اکتیو خواهد شد و آن هم کابوس اتمی است.

جهان در یک تقاطع بحرانی و خطرناک قرار دارد

دولت بوش به چنان ماجراجویی نظامی مبادرت ورزیده است که آینده بشریت را تهدید میکند.

در سراسر تاریخ ساختار پیمان های نظامی ، نقش قاطعی در آغاز جنگ های اصلی نظامی ایفا کرده است. علیرغم اوضاع واحوال قبل از تهاجم به عراق در سال 2003 ، اکنون جورج دبلیو بوش در ماجراجویی نظامی جدید به شدت از جانب فرانسه و آلمان حمایت می شود.

ناتو به اتفاق محور نظامی انگلیسی- آمریکایی با استرالیا و کانادا در صف واحدی قرار دارند. ناتو در سال 2005 موافقت نامه ی همکاری نظامی با اسرائیل امضاء کرده و اسرائیل مدت زمان زیادی است موافقت نامه ی نظامی دو جانبه با ترکیه دارد.

ایران در سازمان همکاری شانگهای (SCO) به صورت ناظر شرکت می کند و نامزد عضویت کامل در SCO است. چین و روسیه در حد دیپلماسی با عملیات نظامی که ایالات متحده آنرا رهبری می کند به شدت مخالف هستند. با وجود پشتیبانی مالی ایالات متحده از برنامه ی نظامی در آسیای مرکزی و حوضه ی خلیج فارس که منافع روسیه و چین را تهدید می کند بعید به نظر می رسد در صورت مداخله ی نظامی ایالات متحده، آن ها در کنار ایران و سوریه قرار گیرند.

طرح حمله به ایران باید در رابطه با اوضاع واحوال جنگ کنونی در خاورمیانه یعنی افغانستان ، عراق و لبنان و فلسطین مود توجه قرار گیرد.

این برخورد می تواند به آسانی از خاورمیانه به حوضه ی خلیج فارس توسعه یافته و آذربایجان و گرجستان را که ارتش ایالات متحده در آن جا حضور دارد در بر گیرد.

عملیات نظامی علیه ایران و سوریه مستقیماً منجر به شرکت اسرائیل در جنگ خواهد شد که در جای خود جنگ به سراسر خاورمیانه کشیده خواهد کشید. امکان بعدی آن انفجار در سرزمین های فلسطین است. ترکیه با پیشنهاد حملات هوایی موافقت کرده است.

در صورتی که جنگ ایالات متحده - بریتانیا - اسرائیل ادامه یابد منطقه ی وسیع تری از خاورمیانه - آسیای مرکزی و از مدیترانه ی خاوری تا مرز افغانستان - چین را به آتش خواهد کشید. در اوضاع واحوال کنونی سه منطقه جنگی وجود دارد که عبارتند از افغانستان ، عراق و فلسطین و لبنان. حمله به ایران منجر به آن خواهد شد که سه جنگ مزبور در یکدیگر ادغام شده و بخش بزرگ تری از آسیای مرکزی- خاورمیانه به منطقه بزرگ جنگی تبدیل شود(به نقشه نگاه کنید).

بمباران های هوایی با حمایت ایالات متحده علیه ایران منجر به جنگ زمینی خواهد شد که در آن صورت ، ایران به نیروهای مؤتلفه در عراق حمله خواهد کرد و منجر به ورود نیروهای اسرائیلی به سوریه خواهد شد.

حمله به ایران اثر مستقیمی در جنبش مقاومت در داخل سرزمین عراق خواهد داشت. هم چنین با فشار زیادی که به ایالات متحده وارد خواهد شد او را مجبور خواهد کرد که ظرفیت و منابع نظامی خود را در عراق و افغانستان افزایش دهد.

به عبارت دیگر، ژئوپلتیک شکننده ی منطقه ی آسیای مرکزی - خاورمیانه ، درگیری ایالات متحده در سه جنگ

کنونی ، شرکت مستقیم اسرائیل و ترکیه در نبرد و حمایت نظامی ایالات متحده از هم پیمانان نظامی خود ، قلمرو بزرگتری از جنگ را دربر خواهد گرفت.

جنگ علیه ایران ، بخشی از برنامه دراز مدت ایالات متحده است که کل حوضه ی دریای خزر را تبدیل به منطقه نظامی کرده و در نتیجه منجر به ثباتی و غلبه بر فدراسیون روسیه خواهد شد.

یاز دهم سپتامبر دوم وزارت دفاع ایالات متحده

برنامه دگرگونی سیاسی و اقتصادی منطقه که از طرح نظامی سرچشمه می گیرد در دوررس قرار دارد.

در صورتی که جنگ علیه ایران و سوریه ادامه یابد ، به بهانه اینکه در معرض حمله تروریستی با حمایت دولت ایران هستند در ایالات متحده و شاید در بریتانیا، حکومت نظامی یا حالت فوق العاده ویا هر دو آن اعلام گردد. در حقیقت دلیل چنین اقداماتی این خواهد بود که مردم را از جنبش ضد جنگ منحرف کرده و به جنگ غیر قانونی ، حالت قانونی بخشند.

با توجه به این امر وزارت دفاع ایالات متحده، مردم را در ترس و وحشت فرو برده و در بیانیه ی رسمی اعلام کرده است که " حمله ای نظیر 11 سپتامبر دیگری ، این مشروعیت و فرصت را به ما می دهد که با حمله به نقاط ویژه ای در ایران و سوریه آنرا تلافی کنیم". در اعلامیه ای که دیک چینو چند روز پس از بمباران شدید لبنان صادر کرد چندین بار اخطار کرد دشمنی که " در 11 سپتامبر ما ضربه زد با وجود گسستگی و ضعف در خود ، هنوز دشمنی خطرناک و مرگبار است و مصمم است که ضربه دیگری را وارد آورد". (والتر کوریر Walter Courier , Iowa والتر کوریر 19 ژوئیه 2006).

برگردان موج جنگ

مطالبی که در این مقاله بررسی گردید الزاما به این معنی نیست که جنگ به وقوع خواهد پیوست. ولی آنچه که مقامات رسمی و مدارک نظامی تائید میکنند عبارتند از:

الف) جنگ بخشی از دستور جلسه ی سیاسی است.

ب) طرح های نظامی حمله به ایران و سوریه در "مرحله ی آماده باش پیشرفته است". جنگ یک واقعه ی اجتناب ناپذیر نیست . یک جنبش سراسری و همگانی می تواند جلوی جنگ را بگیرد.

موضوع این نیست که جنگ به وقوع خواهد پیوست یا نه ولی باید دید چه وسایلی در اختیار داریم که بتوانیم نقشه نظامی جهانی را تغییر جهت داده و آن را خلع سلاح کنیم.

جنایت کاران اداره ی امور کشور را در دست دارند و فرمانروایان که ضامن امنیت و به زیستی شهروندان هستند شهروندان را تحریک به حمایت از جنگ می کنند. با پخش اطلاعات نادرست به جنگ یک رسالت انسانی داده اند

مشروعیت جنگ باید مورد پرسش قرار گیرد. احساسات ضد جنگ ، به تنهایی برنامه ی جنگ را خلع سلاح نمی کند. مقامات عالی رتبه دولت بوش، اعضای ارتش و نمایندگان کنگره ایالات متحده از جنگ غیر قانونی حمایت می کنند.

شرکت های پشتیبان و تامین کننده گان مالی و جنایت کاران جنگ نظیر مقاطعه کاران وزارت دفاع ، انستیتو های مالی و شرکت های تبلیغاتی که بخشی از ماشین اصلی تبلیغات جنگ هستند باید مورد هدف قرار گیرند.

این برنامه ای فوری و ضروری است. در ماه ها و هفته های آینده جنبش ضد جنگ باید پیوسته عمل کرده و اقدامات اصلی و مهم را مورد توجه قرار دهند :

1. نقش رسانه ها در اطلاعات نادرست و پشتبانی از برنامه ی نظامی قطعی است

از کار کوشش خود نتیجه ای نخواهیم گرفت مگردستگاه تبلیغات را تضعیف کرده و در نتیجه آنرا نابود سازیم ضروری است که شهروندان را از علل و نتیجه ی جنگی که ایالات متحده آنرا رهبری می کند آگاه سازیم. هنوز از جنایات بزرگ جنگ و شرارت های پایان ناپذیر ی که رسانه ها آنرا تیره و تار کرده اند صحبتی نکرده ایم. این وظیفه آسانی نیست. لازمه ی آن برنامه ی متقابلی است که اقدامات رسانه ها را خنثی سازیم.

ضروری است که اطلاعات مربوطه و تجزیه و تحلیل ها در سطح وسیعی در بین مردم پخش شود. رسانه های غرب را مثنی سند یکای های بازرگانی قدرتمند کنترل می کنند و رسانه های گوناگون که مثل یک رسانه ی واحد شبکه های تلویزیونی و مطبوعات عمل می کنند باید با عملیات یک پارچه، دروغ، فریب و نادرستی آن ها را آشکار سازیم.

2. در مؤسسات سیاسی و نیروهای ارتش مخالفین وجود دارند

مخالفین الزاماً نمی توانند جهت گیری مشی کلی سیاست خارجی ایالات متحده را مورد سوال قرار دهند ولی می توانند به ماجراجویی های نظامی و سیاسی و استفاده از تسلیحات اتمی اعتراض کنند. چنین اعتراض هائی در نهادهای کشوری، ارتش و مؤسسات بازرگانی دارای اهمیت زیادی هستند چون می توان سودمندان آنرا بکار گرفته و "جنگ با تروریسم" را بی اعتبار کرده و در نهایت آنرا نابود ساخت. بنا براین، امکان وسیع ترین همبستگی در نیروهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد که از ماجراجویی نظامی جلوگیری می کند چون در حقیقت، آینده بشریت در خطر است.

3. ساختار پیمان های نظامی باید مورد هدف قرار گیرد. تغییر جهت به موقع پیمان های نظامی می تواند بالقوه جریان تاریخ را معکوس سازد

در حالتی که دول فرانسه و آلمان جنگی را که به رهبری ایالات متحده است در سطح وسیعی حمایت می کنند ولی اعتراض شدید در هر دو کشور و در اتحادیه ی اروپا در بین مردم و حتی در داخل خود سیستم سیاسی شنیده می شود.

ضروری است که با اعمال فشار شدید سیاسی سران دول اروپائی را وادار سازند تعهدات خود را نسبت به واشنگتن ملغی ساخته و از میان بردارند. این امر به ویژه در حمایت بی دریغ شیراک رئیس جمهور فرانسه و صدر اعظم آلمان انجلا مرکل صدق می کند.

تضعیف سیستم پیمان های اروپای غربی در حمایت از محور نظامی انگلیسی - آمریکائی که به آن تعهد سپرده است در حقیقت منجر به عکس روش مذکور خواهد شد. در این صورت، واشنگتن بدون حمایت فرانسه و آلمان در جنگ با ایران مردد خواهد شد.

تظاهرات ضد جنگ مهم و ضروری است. ولی جریان جنگ را از بین نخواهد برد مگر اینکه با توسعه ی شبکه ی ضد جنگ یک پارچه همراه باشد.

4. ضرورت ایجاد شبکه ی ضد جنگ مردمی دست یازیم، جنبش توده ای در سطح ملی و بین المللی باید مشروعیت اصلی عاملین اصلی نظامی و سیاسی و شرکت های پشتیبان مالی آن را به مبارزه دعوت کند که در نتیجه کسانی که به نام مردم حکومت می کنند از اریکه ی قدرت به زیر کشیده شوند. ایجاد چنین شبکه یی نیاز به زمان دارد که توسعه یابد. در آغاز کار ایجاد این شبکه می تواند توسعه ی برنامه ی ضد

جنگ را در سازمان های شهروندان تمرکز دهد (نظیر اتحادیه های بازرگانی، سازمان های شهری، انجمن های حرفه ای، فدراسیون های دانشجویی و شورای های شهری و غیره).

5- یازدهم سپتامبر نقش قاطع و مرکزی در مبارزه ی تبلیغاتی ایفا می کند.

دولت بوش و هم پیمان خدشه ناپذیرش بریتانیا، افکار عمومی را در حمایت از برنامه نظامی خود مبنی بر تهدید حمله ی به آمریکا از جانب القاعده فروان تحریک کرده است. عریان سازی دروغ های پشت پرده یازده سپتامبر می تواند در بی آبرو کردن مشروعیت "جنگ با تروریسم" به کار گرفته شود. جنایت کاران جنگی بدون استفاده از یازده سپتامبر نمی توانند بر قدرت تکیه زنند. بنای امنیت ملی مثل یک بازی ورق درهم می ریزد. شبکه تروریستی مخلوق دستگاه جاسوسی ایالات متحده است که کاملاً شناخته شده و می توان با مدارک موجود آنرا به اثبات رساند. بر اساس گزارش های جعلی که اخیراً در گزارش "حمله با مایعات انفجاری" آشکار گردید. مدارک موجود نشان می دهد که چندین حمله ی تروریستی که منجر به تلفات غیر نظامیان شد توسط ارتش یا سرویس های جاسوسی و یا هر دو آن ها انجام یافته است. "جنگ با تروریسم داستان جعلی است. داستان یازدهم سپتامبر به نحوی که در گزارش یازدهم سپتامبر نقل شده است ساختگی است. دولت بوش در پنهان سازی عملیات شرکت دارد و شریک جرم در عالی ترین مقام دولتی است.

* مایکل چوسودو و سکی چوسودوسکی Michel Chossudovsky مولف کتاب "جهانی سازی فقر" Globalization of Poverty of Poverty پر فروش ترین کتاب بین المللی سال به یازده زبان زنده منتشر شده است. او استاد اقتصاد دانشگاه اتووا Ottawa و دایرکتور مرکز پژوهش جهانی سازی Director of the Center for Research on Globalization است. او هم چنین در فرهنگ جامع بریتانیکا Britanica مقاله می نویسد. جدیدترین کتاب او "جنگ با تروریسم" نام دارد.